درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

نمونه سوالات امتحانی دی ماه

آیا با بسته جهش کانون آشنا هستید؟

یکی از ابتکارات امسال کانون فرهنگی آموزش(قلم چی) بسته جهش می‌باشد که در ۳ حوزه ، فرایند آموزش شما را تکمیل خواهد کرد و باعث پیشرفت نمرات شما در مدرسه میشود.



✓ **آزمون های تشریحی کانون از دوم دبستان تا دوازدهم: با هدف تمرین بیشتر و بهبود نمرات در مدرسه و امتحانات نیمسال اول و دوم**



✓ **فیلم های آموزشی آفلاین پیشرفت: تدریس توسط مجرب ترین دبیران پرمخاطب کشور، منطبق بر برنامه آموزش و پرورش و کتاب درسی با هدف پیشرفت در مدرسه**



✓ **نرم افزار پلکان یادگیری: شامل آزمون‌های تستی و تشریحی در سطوح مقدماتی و پیشرفته، با امکان ساخت آزمون در هر سطح دشواری**



kanoonBook.ir

برای دریافت جایزه ویژه از کانون بوک و یا آشنایی بیشتر با بسته جهش کانون، عدد ۳۳ را به سر شماره ۹۰۰۰۸۴۵۱ ارسال کنید.

www.kanoon.ir

اداره آموزش و پرورش ناحیه یک ساری دبیرستان غیردولتی اندیشمند۲	باسمه تعالی		امتحـانات نوبـت دی سال تحصیلی ۱۴۰۵ – ۱۴۰۴	
سؤالات درس: نگارش۳	پایه : دوازدهم	رشته: ریاضی و تجربی	کلاس شماره : ۹–۱۰	تعداد صفحه: ۲
نام و نام خانوادگی:	نام دبیر:	ساعت شروع: ۸ صبح	مدت زمان امتحان: ۶۰ دقیقه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۴/ ۰۹/ ۲۹

ردیف	به سان رود که در نشیب دره سر به سنگ می‌زند زنده باش/ امید هیچ معجزی ز مرده نیست زنده باش	بارم
۱	**–یکی از مثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.(حداقل چهار سطر)** *از دل برود هر آنکه از دیده برفت *باز فیلش یاد هندوستان کرده است *به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی	۳
۲	**– بیت زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید .** آتش عشق است کاندر نی فتاد جوشش عشق است کاندر می فتاد	۲
۳	**–سازه های نوشتاری** **حکایت زیر را به زبان ساده بازنویسی کنید.** «روزی شخصی نزد طبیب رفت و گفت: شکم من به غایت درد می کند، آن را علاج کن که بی طاقت شده ام.» طبیب گفت: امروز چه خورده ای؟ مریض گفت: نان سوخته. طبیب غلام خود را گفت: داروی چشم را بیاور تا در چشم او کشم! مریض گفت: من درد شکم دارم، داروی چشم را چه کنم؟ طبیب گفت: اگر چشمت روشن بودی، نان سوخته نخوردی.	۳

www-kanoon-ir

۴	**–«انشا»** **یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و با رعایت اصول نگارشی متنی را بنویسید.** -بهترین دوست من -غروب جمعه -اگر ثروتمندترین انسان جهان بودم...	۱۲
	جمع نمره	۲۰

۱) از دل برود هر آنکه از دیده برفت:

هر کسی که دیگر را از نزدیک نمی‌بیند، به مرور زمان علاقه و محبتش کم می‌شود. دل‌ها با دیدار و همراهی تازه می‌مانند و وقتی فاصله بیفتد، محبت نیز کم‌رنگ می‌شود. پس باید با دوستان و عزیزان خود همیشه در ارتباط باشیم تا محبت و دوستی از بین نرود. حتی یاد و خاطره آن‌ها بدون دیدار کم‌کم فراموش می‌شود.

۲) برداشت: عشق مانند آتش است که وقتی در دل انسان روشن شود، همه وجود او را می‌سوزاند و او را پرشور می‌کند. عشق باعث جوشش احساسات و انگیزه‌های درونی انسان می‌شود و زندگی را پررنگ و پرمعنا می‌کند.

۳) بازنویسی حکایت به زبان ساده:

روزی شخصی نزد پزشک رفت و گفت: «شکمم خیلی درد می‌کند، لطفاً آن را درمان کن، طاقت ندارم.»

پزشک پرسید: «امروز چه خورده‌ای؟»

مریض گفت: «نان سوخته.»

پزشک به غلامش گفت: «داروی چشم بیاور تا در چشم او بزنم!»

مریض تعجب کرد و گفت: «من درد شکم دارم، داروی چشم چه ربطی دارد؟»

پزشک پاسخ داد: «اگر چشمت باز بود و درست نگاه می‌کردی، نان سوخته نمی‌خوردی و شکمت درد نمی‌گرفت.»